

# ۳ درصد GDP خرج آموزش و پرورش می‌شود

صفحه ۱۶

روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران  
صدای فرهنگیان، نگاه جوانان  
شماره مسلسل ۲۸۶۵  
چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۳  
۲۷ شوق ۱۳۳۵  
اول ص ۲۰۲۴  
شماره ۴۱۳۷  
۱۶ صفحه ۵۰۰۰ تومان

## فرهیختگان

## نون و وایرال!

«ن خ» به عنوان موفق‌ترین سریال تلویزیون هم داستان سرراستی نداشت



www.fdn.ir | Wed | 1 May 2024 | vol.15 |



اهداف واقعی تر سفر بلینکن به منطقه ورای پروپاگاندای رسانه‌های غربی

# برای پول انتخابات و جنگ

صفحه ۸

وضعیت درگیری سیاسی برخی ارکان دولت و مجلس چندان جالب نیست

## با هم دوست باشید

۲

«فرهیختگان» به مناسبت روز استاد چالش‌های امروز اعضای هیات علمی جوان را بررسی کرد

## وضعیت معیشتی اساتید جوان را از نفس می‌اندازد

۴

آیا در انتشار سند جعلی توسط رسانه دولتی انگلیس پای نفوذی‌ها در میان است؟

## پوست موز زیر پای بی‌بی‌سی

۱

## برای کار، کارگری کنیم

حسین سرآبادانی تفرشی پژوهشگر هسته عدالت اجتماعی مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع)

### حلقه مفقوده‌ای به نام مطالعات «روابط کار»

تغییر بنیادین «روابط اجتماعی» به‌طور عام و «روابط کار» به‌طور خاص، با ارائه یک «نقشه نو»، اصولی و تاسیسی ممکن است. فهم «روابط کار» در تاریخ معاصر ما قرین با رویکردهای ظاهری، ساده، غیرمنعطف و کلیشه‌ای بوده است. گروه‌های سیاسی و فکری که عمدتاً از پایگاه چپ در حوزه کار و کارگری فعالیت می‌کردند، محور این جریان‌های اجتماعی بوده‌اند. برخی از این گروه‌ها، در عصر نظام شاهنشاهی در چهارچوب مشخص نظام سلطنت و در متن حمایت از نظام سلطه سامان یافته بودند و بدین جهت، عمل‌تغییرات کارگری صرفاً تبدیل به نوعی گفتار رسمی و تحکیم ساختار و روابط موجود شده بود. در سوی دیگر، موضوع تغییرات معطوف به روابط کار از سوی برخی جریان‌های فکری و سیاسی راست‌گرا مطرح شد که به نحو ساختاری و سیستمی با ظلم در روابط اجتماعی دیگر نمی‌شدند و تنها به تغییراتی در سطح ظاهری این روابط اکتفا می‌کردند.

تحول و تغییر بنیادین روابط کار با رویکرد تعالی و رشد انسان، در گرو فهم و بعد عینی‌سازی برداشت اسلام از انسان، کار و روابط ناظر بر آن است؛ فهمی که فراتر از کلیشه‌های متداول زمانه به ماهیت این رابطه اجتماعی نظر افکند و افق و الگوی جدیدی عرضه نماید. لازمه این تغییر در روابط کار، رجوع هدفمند و انتقادی به سنت گذشته، مواجهه درست با تغییرات امروز و در نهایت تمرکز بر شناسایی افق‌های پیش‌روست. در این مسیر تحولی برای حوزه «روابط کار» هیچ ساختار و الگوی بدیهی از پیش فرض شده و جبرگرایانه (یا طبیعی) وجود ندارد و اصلاح‌گری در این زمینه، نه جزئی و موضعی بلکه کارگزار و ریشه‌ای است. از سوی دیگر، سامان‌دهی این رابطه ذیل اصل «عدالت اجتماعی» به‌عنوان اصل و اساس حکمرانی در نظام اسلامی لازم است؛ عدالتی که مبتنی بر تقاطع‌های چپ و راست نباشد و تعریف و معنای خاص خود را داشته باشد.

متأسفانه فقدان رهیافتی اصولی، نظام‌مند، عادلانه و چندلایه به مساله «روابط کار»، خاص یک جریان سیاسی یا دولت مشخص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیست. این خلأز همان چالش‌های ابتدایی پیرامون «قانون کار» وجود داشته و آنجایی که نیز که کوشش شده تا تغییرات و تحولاتی با رویکرد عدالت در مساله کار به نحو عام و «قانون کار» به‌طور خاص تحقق یابد، به‌صورت سطحی، یک‌سویه و تحت شرایط جو اجتماعی و سیاسی سامان یافته است. «قانون کار جمهوری اسلامی» به‌عنوان مهم‌ترین تجلی حوزه «روابط کار»، عرصه نزاع بیش از چهار دهه جریان‌های فکری و سیاسی بعد از انقلاب بوده است؛ به‌نحوی که کشمکلی آنها پیرامون ماهیت و تعیین‌کنندگی این قانون، پیش‌بینی‌ناپذیری از هویت این جریان‌های فکری با پایگاه‌های سیاسی مختلف را شکل داده است. بنابراین شمره عملی مطالعه «روابط کار» با رویکرد اسلامی از پایگاه معرفتی اسلام، اولاً اهمیت، چیستی و جایگاه این رابطه اجتماعی و ثانیا طراحی مبنایی برای نظام اولویت‌بندی مسائل حوزه کار و کارگری جهت تنظیم‌گری و حکمرانی عادلانه روابط کار است. در این مسیر،

در این ساختار ایجاد می‌کند. در منطق نظریه اسلامی عدالت اجتماعی، انسان به‌عنوان موجودی که از طرفی شمره «کار خدا» (یا شئون «فعل الله») و از جانب دیگر فاعل «کار خود» است، لازم است به موجودی صرفاً کارپذیر و منفعل تبدیل نشود. حسب این مبنا، آنچه در نظام سرمایه‌داری، حاکمیت سرمایه (کار برده) بر کار انسانی (کار زنده)، سامان یافته، مغرور است. از طرف دیگر، نگرش مکتبی اسلام به کار، با مارکسیسم در ستیز است. اگر از جریان مارکسیستی به‌عنوان پایگاه معرفتی دفاع از عدالت در حوزه روابط کار سخن گفته می‌شود، فاقد دقت است. «کارل مارکس» -برخلاف برخی کوشش‌های اخیر که تلاش دارند تا تصویری اومانیتیستی و انسان‌گرا از او ارائه دهند- از اساس یک «انسان‌گرا» است. عنوان کتاب اصلی او «سرمایه» است و بدین جهت تلقی او از کار به تبع دگر او از «سرمایه» سامان گرفته است. گرچه او در تحلیل خود اشاره کرده که سرمایه، کار برده است، اما به‌لوازم این سخن پایبند نبوده است؛ زیرا انسان‌شناسی او یک انسان‌شناسی متعالی از ماهیت و هستی انسان نیست، به‌باور او، انسان به‌حسب جوهر، موجودی متمایز و خاص از سایر موجودات نیست و بدین جهت کار انسانی را امری اصیل و ریشه‌دار درک نمی‌کند. نقد‌های استاد شهید مطهری در کتاب «نظری به نظام اقتصادی اسلام» به‌تئوری ارزش مارکس از این جهت خواندنی است؛ تئوری که به‌طرح شگفت‌انگیز مارکس از «ریکاگرد» یکی از قدماهای کلاسیک اقتصاد سرمایه‌داری اخذ کرده است. مارکس کار انسان را ذیل «سرمایه» تحلیل و تفسیر می‌کند و کرامت و شرافت ذاتی انسان را در نظام هستی در تحلیل نظام اقتصادی نادیده می‌گیرد. لذا به تعبیر مطهری اقتضای دیدگاه‌های مارکس عملابه «استثمار کار» راه می‌دهد. به‌باور او، نظریه مارکس در باب «اضافه ارزش» و ماهیت کار آدمی، بیش از آنکه اثبات‌کننده کارفرما استثمارگر است، اثبات می‌کند که استثمارگر نیست. «تفاوت دیگر میان اندیشه اسلامی بانگش چپ در قلمرو مباحث روابط کار است؛ ایدئولوژی‌های چپ، ظلم به کارگران را تنها بر محور مقولاتی مانند دستمزد تحلیل می‌کنند؛ اما از منظر اسلامی، دستمزد نا عادلانه، تنها جلوه‌ای از ظلم به کارگر و اخلاص در شرط بقای او است. هدف نهایی، صرفاً بقای کارگر و تداوم بهره‌دهی او بلکه رشد وی در مراتب انسانیت است.

امروز پیش و بیش از چالش با وزیر کار که پیگیری طرحی تأسیف‌انگیز برای نجات از نمایندگان کارگری در فرآیند تعیین حداقل دستمزد است، نیازمند ارائه روشمند نظریه‌ای برای «کار» و عرصه «روابط کار» به‌عنوان مبنایی برای تنظیم حکمرانی کار در دهه پنجم حیات نظام اسلامی هستیم. بدون «نظریه کار»، تحقق عدالت در حوزه «روابط کار» غیرممکن خواهد بود.

واضح است «نگاه به انسان به‌مثابه نیروی کار» یک نحو‌بینش خاص در مورد انسان است. مقوله «کار» یکی از شئون مهم انسانی و عامل اصلی شکوفایی استعدادها از حیث فردی و خلق ارزش افزوده اجتماعی است. هرگونه پاسخی که به پرسش از هستی و چیستی «کار» داده شود، مضمون و شکل نظام اقتصادی-اجتماعی ما را تعیین خواهد کرد. بر این اساس، آنچه در مناسبات مبتنی بر سرمایه اصالت می‌یابد، «منحصر شدن» و اصالت یافتن نگاه به انسان از منظر یک «نهاد تولید» است که در قالب انواع جذباتی مانند «نیروی کار» یا «سرمایه انسانی» بسته به مضمون مفهومی می‌شود. تغییر بنیادین روابط اجتماعی و ارائه طرحی نو در نظام‌سازی اجتماعی در بلندمدت نیازمند بازنگری در پیش‌فرض‌های نظری ما پیرامون انسان و کار است.

پایبندی به «موازین علمی» و تعهد به «حقایق مکتبی» اصل اساسی در توصیف و تجویز این حیطه است.

### تجربه تاریخی ما در مواجهه با مناسبات کار

فهم «روابط کار» در قالب نوعی «اجاره خدمات انسانی»، تفکری است که در ابتدای دهه ۶۰ نیز در کشور مبنای نگارش اولین طرح «قانون کار» شد. این پیش‌نویس، رابطه کار را ذیل «قانون مدنی» و بر مبنای نوعی تراضی طرفین تلقی کرد. این درحالی است که قوانین حمایتی کار با هدف خروج «رابطه استخدامی» از نوعی رابطه اجتماعی معمول تدوین و تنظیم می‌گردد. روایت تصویب قانون کار در دهه ۶۰ شمسی از طرح اولیه آن در وزارت کار دولت سوم تا تصویب آن در مجمع تشخیص مصلحت نظام در آبان ماه ۱۳۶۹ می‌تواند خود زمینه طلیده مطالعه «حکمرانی کار» در جمهوری اسلامی ایران باشد. مقاومت نیرومند در برابر شکل‌گیری این قانون با پایگاه‌های نظری و معرفتی مختلف حاکی از فقدان بینش عدالت‌محور از روابط کار در دنیای معاصر داشت. کوشش‌های معطوف به طرد هرگونه قوانین حمایتی برای کارگران از جانب برخی گروه‌های سیاسی و فکری درون نظام سیاسی سامان می‌گرفت. محور مشترک این مجموعه سیاسی که گاه با زبان دینی در باب رابطه کارگر و کارفرما سخن می‌راند، درک آن در قالب یک نوع رابطه بازاری مبتنی بر «تراضی طرفین» و فهم این مساله در حوزه حقوق خصوصی بود. بدین جهت هرگونه مداخله سیاسی دولت که مخل این تراضی باشد را غیرشرعی تلقی می‌کرد. این اختلاف بعدها به‌عنوان یکی از محورهای اختلاف جناح راست و چپ سیاسی دهه ۶۰ صورت‌بندی شد و در رسانه‌ها و افکار عمومی با ژانر یافت. این بینش البته اختصاصاً به فکری کارگران در یک دوره تاریخی نداشته و امتداد آن به شکل‌های مختلف دنبال شده است.

### نگاه نظریه اسلامی عدالت به کار

عام‌ترین دغدغه عدالت، دغدغه مرتبط با حوزه نظام کار است؛ چراکه به‌صورت فرآیندی و نظام‌مند به دنبال سهم‌پهرو منصفانه عوامل مختلف اجتماعی در فرآیند خلق ارزش در جامعه است. از آن جهت که «کار» عام‌ترین بحث انسانی و اجتماعی است، دغدغه عدالت در حوزه کار، نیز، دارای گستره وسیعی است. آنچه به‌صورت پیشینی، در نظام اجتماعی و اقتصادی و سازوکارهای اقامه عدالت اجتماعی را رقم می‌زند، در سازوکار توزیع درآمد میان عوامل تولید، و به‌طور خاص سهم «کار و سرمایه» در نظام اجتماعی انعکاس می‌یابد. تنظیمات و قاعده‌گذاری‌های دولت در نحوه تسهیم منافع خلق ارزش در یک جامعه، شکل و ساختار کلی توزیع درآمد را در یک جامعه سامان می‌دهد. در نظام‌های اجتماعی با گرایش لیبرال سرمایه‌داری، معمولاً این تسهیم به سازوکارهای بازار واگذار شده و در نتیجه خروجی و نتیجه نهایی این سیستم، عادلانه تصور می‌شود؛ اما در واقعیت امر، به جهت خصوصیات ساختاری این مناسبات، عمدتاً کف ترزو، به سمت منافع صاحبان سرمایه سنگینی می‌کند. در مقابل نظام‌های سوسیالیستی نیز با خلط میان نقش تنظیم‌گری و تصدیدی‌گری دولت، عملاً سازوکار تسهیم منافع را دچار اختلال ذاتی می‌کنند. در این میان، نظام اجتماعی اسلام، با طراحی خاص خود در توزیع میان عوامل تولید، نوعی تسهیم عادلانه حسب مشارکت صاحبان عوامل تولید

آیا در انتشار سند جعلی توسط رسانه دولتی انگلیس پای نفوذی‌ها در میان است؟

## پوست موز زیر پای بی‌بی‌سی

سرویس جهانی بی‌بی‌سی روز دوشنبه ۲۹ آوریل (۱۰ اردیبهشت ماه) با تکیه بر اسنادی که به تعبیر این رسانه «بسیار محرمانه» خوانده شده، گزارشی از نحوه درگذشت نیکا شاکرمی منتشر کرد. نیکا شاکرمی نوجوان ۱۶ ساله‌ای بود که رسانه‌های فارسی‌زبان ضد ایران، در نخستین روزهای ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱، از او به‌عنوان یکی از کشته‌شدگان اعتراضات در تهران نام بردند. مقامات قضایی و امنیتی با استناد به محل درگذشت این فرد و همچنین گزارش پزشکی قانونی، ضمن رد اظهارات رسانه‌های ضد ایران، سقوط از ساختمان «را اعلت مرگ شاکرمی معرفی کردند. با این وجود اما چند تصویر از حضور شاکرمی در اعتراضات و ویژگی‌های شخصیتی مادر و خاله شاکرمی، فضای مناسبی را در اختیار شبکه‌های ضد ایران برای مدیدن برآشت اعتراضات در ایران با هدف سرنگونی حکومت داده بود.

در طول کمتر از دو سال گذشته رسانه‌های فارسی‌زبان ضد ایران و حتی غربی، بارها و بارها در گفت‌وگو با افراد مختلف، گزارش‌هایی درباره نحوه درگذشت این نوجوان ۱۶ ساله منتشر کرده‌اند؛ گزارش‌هایی که در بسیاری از مواقع، حتی با روایت‌های مخدوش مادر و خاله نیکا شاکرمی نیز تناقض‌های جدی داشته است. دوشنبه ۱۰ اردیبهشت، سرویس جهانی بی‌بی‌سی، روایت جدیدی از درگذشت نیکا شاکرمی منتشر کرد که با وجود تلاش‌های فراوان، در این تناقضات در آن بسیار مشهود است. برخلاف دفعت قبل، این بار یک رسانه بین‌المللی و آن هم با استناد به اسنادی که آنها را «بسیار محرمانه» می‌خواند، به ماجرا ورود کرده است. این موضوع به اندازه‌ای عجیب بود که دوپیه‌وله فارسی درباره آن نوشته «این اولین بار است که یک رسانه بین‌المللی با استناد به سندی محرمانه چنین گزارشی را منتشر می‌کند. بی‌بی‌سی ادعا کرده این گزارش «بخشی از یک پرونده ۳۲۲ صفحه‌ای» درباره معترضان بوده است. این رسانه هرچند مدعی محرمانه بودن این سند است اما در گزارشش به تناقض‌های موجود در اسناد، نیز اشاره کرده. به عنوان نمونه، بی‌بی‌سی ادعان داشته در سندی

همکاری «فرهیختگان» و «راديو مضمون»  
کپ‌وگفت‌هایی با اهل فرهنگ و ادب درباره کتاب، رسانه و فرهنگ است  
باگفتارهایی از رضا امیرخانی، یلدا ابته‌هاج، منصور ضابطیان، احمد دهقان، هوشنگ گل‌مکانی، ایوب آقاخانی، احسان رضایی، محمد کاظم کاظمی و...  
فصل جدید راديو مضمون منتشر شد  
www.hamshedarmiy.com  
@radiomoz